۲۴

عَلَیکَ یا اَبا اَمیرِ المُؤمِنینَ سلام بر تو باد ای پسر امیر المؤمنین و امیر
المؤمنین بر غیر علی بن ابیطالب گفته نمی‌شود چنانکه در احادیث
بسیار وارد شده زیرا که مؤمن یعنی ایمان آورنده بخدا و رسول
یعنی امیر و بزرگ بر همهٔ اهل ایمان و علی علیه السلام از جملهٔ اهل ایمان است
و هیچکس برادر امارت و بزرگی و سبقت ندارد پس این لفظ مختص
علی بن ابیطالب است و بس اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا سَیِّدِ الوَصیّین
سلام بر تو باد ای پسر آقا و سید و بزرگ اوصیاء پیغمبران
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا فاطِمَةَ الزَّهراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمین
سلام بر تو باد ای پسر فاطمهٔ زهراء زهراء که خاتون و مهتر
و بهتری زنهای همهٔ عالمها است اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللهِ
سلام بر تو باد ای ثار خدا یعنی ای خون خدا و مراد این است — و این مجاز است
که خداوند جل شانه انتقام کشنده و طلب کننده خون او است از
دشمنان او هم چنانکه هرگاه اهل بلدی طاغی شوند و والی الطان
را بکشند سلطان طلب خون والی میکند و انتقام از اهل آن
بلد میکشد و میگویند که این خون دولت است هم چنین سید الشهداء



نام کتاب: ترجمه زیارت عاشورا
مؤلف متن: محمد بن حسن الحسینی خراسانی — محشی
شارح — مترجم
تاریخ تحریر: ۱۸ جمادی الاول ۱۳۰۲ — نوع خط: نسخ — کاتب: احمد علیمحمد شاهرودی — تعداد سطر: ۱۵
جزء کتب: ادعیه و زیارات — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۲۳
طول — عرض — شماره عمومی: ۲۲۱۵۵
وقفی / خریداری — تاریخ — وقف / خریداری
ملاحظات: ضمیمه شماره

۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین اما
بعد پس میگوید بندهٔ ذلیل سید محمد بن السید حسن الحسینی
الخراسانی اوفی حسابه بیمینه وفاز فی الدارین ببلوغ الامانی
این است ترجمهٔ مختصری به زیارت مشهوره عاشورا که بخواهش
جمعی از برادران ایمانی قلمی کرده‌ام ملتمس از ارباب فضل آنکه بر خطای حقیر
نگیرند و بقلم عفو اصلاح لغزشهای این بنده فرمایند السلام
علیک یا ابا عبد الله یعنی سلام بر تو باد ای حضرت اباعبدالله
کنیهٔ آنسرور است در روایتی وارد شده که طفلی از آن حضرت که عبدالله
نام داشت در کربلا شهید شد یا مراد این است که سلام بر تو ای
پدر بندگان خدا یعنی چونکه آنحضرت سبب فیض بر همهٔ ممکنات است
سوای جد و پدر و مادر و برادر و هیچ فیضی در دنیا و آخرت بهیچ
فردی از افراد ممکنات نمیرسد مگر بتوجه و عنایت آن سرور و اطلاق
پدر بر آن سرور شده در سخن در این مقام بسیار است السلام
علیک یا ابن رسول الله سلام بر تو باد ای پسر رسول خدا

علیک

٧۴

علیک یا ابن امیر المؤمنین سلام بر تو باد ای پسر امیر المؤمنین و امیر
المؤمنین بغیر علی بن ابیطالب گفته نمیشود چنانکه در احادیث
بسیار وارد شده زیرا که مؤمن یعنی ایمان آورنده بخدا و رسول
یعنی امیر و بزرگ بر همهٔ اهل ایمان و علی علیه السلام از جملهٔ اهل ایمان است
و هیچکس بر او امارت و بزرگی و سبقت ندارد دلیل این لفظ مختص
علی بن ابیطالب است و لیس السلام علیک یا ابن سید الوصیین
سلام بر تو باد ای پسر آقا و سید و بزرگ اوصیاء پیغمبران
السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین
سلام بر تو باد ای پسر فاطمهٔ زهراء زهراء که خاتون و مهتر
و بهتر زنهای همهٔ عالمها است السلام علیک یا ثار الله
سلام بر تو باد ای ثار خدا یعنی ای خون خدا و مراد این است — و این مجاز است
که خداوند جل شانه انتقام کشنده و طلب کننده خون او است از
دشمنان او هم چنانکه هرگاه اهل بلدی طاغی شوند و والی
را بکشند سلطان طلب خون والی میکند و انتقام از اهل آن
بلد میکشد و میگویند که این خون دولت است هم چنین سید الشهداء

است

سلام الله علیه خون خدا است یا اینکه ثار خدا یعنی اهل ثار خدا

و ثار خدا یعنی طالب خون خدا و اهل ثار خدا یعنی کسیکه انتقام کشنده

از دشمنان خدا و قاتلان اهل بیت مصطفی که امام عصر عجل

الله فرجه باشد یا از نسل او است یا اینکه مراد اینست که سید الشهداء

علیه خود طالب خون خود و ساعی است از اهل خدا و خاصان

درگاه کبریا و در زمان رجعت یا اینکه مراد این باشد که آن سرور طالب

احبای خدا خون خواه اصحاب و یاران خود است که همراه او خدا

شهید شدند و با ثار اصلش ثائر بوده یعنی کسیکه هر گاه تمکن

تا خون خواهی او نشود و انتقام از دشمنان او کشیده نشود و دائم

ثارِ و پسر خون خدا همان معنیها که گذشت وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ

ای یگانه که منفرد است در همه صفات کمال یا یگانه منفرد در وقوع

مصائب و بلاها از جمیع افراد ممکنات از همه انبیاء و اولیاء

چه هیچ بلائی بهیچ پیغمبری و وصی پیغمبری وارد نشده مگر اینکه

اعظم از آن بسید الشهداء وارد شده است یا یگانه منفرد

در صبر بر بلاها همچنانکه خداوند بحضرت زکریا خبر داده و ملائکها

ازصبر

چند

از صبر او در تعجب آمدند یا یگانه در میدان جهاد با کفار یا یگانه در خبرهائی

که خداوند باو عطا فرموده از اجابت دعا در تحت قبه اش و شفا

در تربت مقدسه اش و بودن ائمه اطهار از نسلش و محبت او در قلوب

مؤمنین زیاده بر باقی ائمه و نحو اینها یا یگانه کشته شده خود و

با اولاد خود در راه خدا و عیالش بغارت برده شده یا اینکه موتور تاکید

از برای وتر است مثل حجرا محجورا در قرآن مجید یا یگانه منفرد در اعلاء

کلمه حق از بین همه انبیاء و اولیاء و اصفیاء و ائمه اطهار علیهم السلام زیرا

هر نبی و وصی و امامی در زمان خود شر چند در فتنی بلکه بیشتر ائمه

همه عمر خویش بتقیه گذرانیدند و این شهید اصلا بتقیه راه نرفت

اندر زمانی که بدر رزم اهل امکان برتبه وجوب رسید نزدیکا میکرد بخلعت

بوجود شریف خود

شهادت سرافراز و از جمیع مقربان ساحت احدیت ممتاز شد نه در حیات

حیاتش و نه در زمان پدرش و نه در عهد برادرش و نه در چند روز امامت

سراسر سعادت خود و این معنی که خلفا از آنحضرت سرایت باصحاب کرام

آن سرور نبود بلکه زنان طاهرات و بنات مطهرات آن سرور اثر نموده

چنانچه در اثار و کتب اخبار وارد است که مکالمات و خطابات در کتابان

و نصرت جانی که از ایشان با تمرد کفر و طغیان شده و در هیچ محفلی بتقیه
نرفتند ملکی از آنحضرت و از اولاد و محبان آنحضرت سرایت کرده زیرا که
در مقام احیاء امر آن سرور که زیارت و اقامه مجالس تعزیه است اصلا
و ابدا تقیه معمول نمیدارند و از مال و جان و عرض و فرزند و نام گذشتند و میگذرند
و از خوف دعوت و قتل و حبس و کثرت ناصبیان و تسلط دشمنان اصلا
دفع آن خوف در دل راه نمیدهند چه جای آنکه تقیه کنند ایشانند مصداق
این کریمه لا یخافون فی الله لومة لائم السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی الأَرْواحِ الَّتی
حَلَّتْ بِفِنائِکَ یعنی سلام بر تو باد و بر روحهائی که فرود آمدند
و حلول کردند در جوار تو و در نزدیکی تو و مراد ارواح اصحاب و شهداء
با آن سرور است عَلَیْکُمْ مِنّی سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ
وَ النَّهارُ بر شماها باد از جانب من سلام خدا همیشه مادامی که باشم
و چون بقای انسان بسیار کم است سلام را پیوند کرد امام علیه السلام بدنیا
و فرمود و مادامیکه باقی باشد شب و روز که عبارت از دنیاست و چون
سلام بنده به هیچ وجه قابلیت سلام حضرت حضور ادنی غلامی از غلامان
آن سرور را ندارد و خداوند را در مقام اجابت دعا و رأفت به بنده

حد و نهایتی نیست که اراده آن از برای اهل امکان امکان داشته باشد لهذا خداوند
جل شانه و عم نعمه از جانب بنده سلام بآن سرور و اصحاب کرام میفرستند
و شاید مراد به شب و روز ایام آخرت باشد که فنا ندارد و از خواص آنهاست
بقای بنده عبارت از حیات آخرت خواهد بود چنانچه در خبر وارد شده
خلقتم للبقاء لا للفناء و صحت این وجه از سه راه است اول آنکه در عرف
عرب و عجم تعبیر از روزگار به شب و روز بسیار است امام علیه السلام بنابر
عرف تعبیر فرموده از روزگار آخرت به شب و روز فرموده دویم آنکه امام علیه السلام
خواست که دنیا و آخرت را هر دو را شامل شود شب را ذکر فرمود که
تا شامل دنیا شود پس تقدیم شب بنابر عرف عرب است که در تواریخ
و حسابها خود شب را مقدم میدارند سیم آنکه مراد به شب جهنم و مراد
به روز بهشت باشد زیرا که همیشه جهنم تاریک است چون شب بسیار تاریک
و بهشت همیشه نورانی است چون روز بسیار روشن و چون جهنم پیش از
بهشت است و از او میگذرند و به بهشت داخل و فائز میشوند لهذا
شب را امام علیه السلام مقدم بر روز داشته اند و شاید مراد از شب دنیا باشد
و مراد از روز آخرت چنانچه در خبر خداوند تصغیر ما بگذارد ادیم شب را لباس گردد

در روز را محل عیش و زندگانی و معلوم است که دنیا لباس و بیهوده است از اهل بوالهوسی
چه شبک و بدچون شب بسیار تاریک و آخرت محل عیش ابرار و رسوائی اشرار
و دنیا بیهوده است چون روز بسیار روشن و از این جهت است که امیر المؤمنین
الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا و در حدیث قدسی وارد است که خداوند
جل شانه میفرماید عز قرار دادم عیش و راحت را در آخرت و مردم طلب میکنند
در کون نخواهند یافت و چون دنیا در حقیقت شب بود خداوند جل شانه
از لطفهای بی منتهای خود چراغ نور دهنده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
و انبیای او و اوصیا بوده‌ها از برای دیگر شب قرار داد که ائمه اطهار علیهم
باشند تا بسبب هدایت بادشاهان متعصب شدند صاحبان بدعت
و طغیان این چراغ الهی خاموش نشود و این دین شریف برطرف نگردد
و از این جهت است که در هر عصری از عصرها که بادشاهان بدعت شدند میکنند
و این چراغ الهی ضعیف میشود امام آن عصر بدین شریعت خود را بوده و فدای
آن نور ربانی میکند و خون او انتشار آن بادشاهان متعصبه میسازند
و شهید میشود و معلوم شد که هر امامی دیده و دانسته بعد الحجت محقق حفظ
آن سراج الهی و چراغ ربانی تن بشهادت در میدادند که اگر شهید نمیشدند

دین خدائی

دین خدائی و چراغ الهی برطرف میشد و البتر و الفا البتر که خود را قیاس
با ایشان نباید کرد و بعد از هلاکت بنابراین ختم مکر در مقام دفاع
جهاد شرطهائی که در فقه ذکر شده بسبب کار پاکان را قیاس از خود مکلفی
که چه شکل باد رنوشتن شیر شیر و چون بعد از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
نخوت و فساد شده و نفاق در دماغ و سینه‌های اعراب ارباب نفاق پنهان بود
و متعفن گردیده تا زمانیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت فرمود کم کم
آن فسادها و بدعتها و نفاقها و شرکها که پنهان داشتند روز بروز بروز کردند
تا زمان حضرت سید الشهداء علیه السلام چون آن سرور دید که نزدیک است دین
شریف جدش که اثری از او نماند لهذا آن ریاست ظاهری که شایسته بود
گذشت و از وطن خود و حرم جدش گذشت و پناه بخانه خدا برد خانه
سر بصحرا گذاشت با زنان و اطفالش و اصحابش معدود سفر نمود لابد که علاج
اصحاب کرامش را فدای دین جدش کرد ثمری نکرد خویشان و اولادش را
که پاره تن شریفش بودند بجهاد فرستاد اثری بر آن مشکلات نکرد
اشرار نکرد پس سر مبارکش را در راه دین خدا داد و از هر عضو عضو خود
گذشت و از نام گذشت و از عیال و اطفال گذشت معجزات و خارق عادات

[illegible]

از سر مبارکش جدا و از بدن شریفش جدا و از قطرات خونش جدا و از
عیالش جدا و از اطفالش جدا و از خویشانش جدا و از اصحابش جدا
تا بظهور رسید و بعد از آن از قبر مطهر خودش و قبر برادرش حضرت ابی الفضل
العباس علیهم و از قبور منوره خواهرانش و دختر انش و از قبور منوره
اصحابش و از مجالس تعزیه اش و از ابصار زوارش و از باکیان او و از
زائرینش بلکه از هر چیزی که فی الجمله انتسابی بان دارد اگر چه از قبیل
حیوانات و نباتات و جمادات باشد تا بظهور رسیده و میرسد تا ظهور
دولت حق تا آنکه ببرکات وجود فائض الجود آن سرور بحمد الله سبحانه
نرخ بازارهای دین مبین بر قرار شده که مخالفان و شیاطین جن و انس
در آن خدشه نتوانستند کرد و فی الحقیقه این شریعت مطهره شریعت
محمدیه است از آن سرور چون فی الجمله معلوم شد که مصیبت آن سرور اعظم مصائب است
و هیچ مصیبتی بآن نمیرسد این است که امام علیهم میفرماید یا ابا عبد الله
لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ
ای حضرت ابا عبد الله قسم بخدا هر آینه بسیار عظیم شده بلا و تعزیه
و جلیل شده مصیبت بسبب تو بر ما و بر همه اهل اسلام زیرا که کسیکه

خود را

خود را و خویشان را و اصحاب و عیال را و افراد فدای دین اسلام کند و همه
مصائب ممکنه را بر خود و عیال خود بخرد بجهة حفظ اسلام اگر همه
اسلام الی یوم القیام بجای اشک خون بگریند و پلاس بپوشند و بر روی
خاکستر آرام گیرند هر آینه ادای عشری از اعشار حق تعزیه آن سرور
را نکرده اند وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ و بسیار جلیل و عظیم شده مصیبت تو در همه آسمانها بر همه
اهل آسمانها چگونه چنین نباشد و حال آنکه آنها همه طفیلی وجود فائض الجود
آن سرورند و هر گاه ملائکه با آن نزدیکی که با خدا از فساد های جزئی و خونهای
جزئی که بنا بود ریخته بشود بنالند بسیار عظیم خواهد بود بر ایشان
چنین خون عظیمی و فساد عظیمی که چشم روزگار مثل آن ندیده و نخواهد دید
تا روز قیامت فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ
پس لعنت بکند خدا و براند از رحمت خود آن گروهی را که اساس و بنیاد اساس ظلم
و ستم را بر شما اهل بیت پیغمبر و این اشاره است بحکایت ثقیفه که نعوذ بها
نسبت باهل بیت علیهم سر زد وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ
عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا و لعنت خدا کرده ای را که دفع شما ائمه طاهرین

از مقام شما و زائل کردند و دور کردند شماها را از مرتبه‌های شما که مرتبه‌ها
داده و جای داده خداوند شماها را در آن مرتبه‌ها و آن مرتبه‌ها
اشاره است بخلافت و مرجعیت در همه چیز و همه جهت ولعن الله امة
قتلتکم ولعنت کند خدا گروهی را که کشتند شماها را بدست یا بزبان
یا بفرمان بظاهر یا بباطن ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم
ولعنت کند خدا آن اشخاصی را که آماده و تمهید کردند از برای کشندگان
شما و دشمنان شما یا بنکه دست دادند و متمکن و قادر ساختند ایشان را از
مقاتله با شما و از جنگ کردن با شما برئت الی الله و الیکم منهم ومن
اشیاعهم واتباعهم واولیائهم بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما
اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله از کشندگان شما و از تمهید
کنندگان از قتال شما و از پیروان ایشان تا روز قیامت و از تابعان
ایشان تا قیامت و از دوستان ایشان تا قیامت یا ابا عبدالله انی
سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم الی یوم القیمة یا اباعبدالله بتحقیق
من صلح داشته‌ام از برای هر کسی که با شما مسالمه و مصالحه داشته کند
شماها با کسیکه واگذارد امور خود را بشما و با شماها در هیچ مقام

هیچ اعتراضی بر شماها نداشته باشد وجنگم از برای هر کسیکه جنگ کند شماها را
و با شماها در مقام اعتراض باشد ولعن الله آل زیاد وآل مروان ولعنت کند
خداوند اولاد زیاد و اولاد مروان را و زیاد پسر مرجانه است و مرجانه
از زنان زنا دهنده‌گان مشهور است شبی ابو سفیان با کنیکی شراب
بشغل خرابی با مرجانه تا صبح بسر برد صبح تو آمد مرجانه با ابی سفیان گفت
کرای بزرگ عرب چگونه بوده است شب شما ابو سفیان گفت لهو شبی بود از
برای من و زیاد در آن شب نطفه جنبشش منعقد شد و مروان و اولادش
ملعونند بزبان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله ولعن الله بنی امیة قاطبة
ولعنت کند خدا بنی امیه را همه‌شان اول ایشان را و آخر ایشان را و امیه بنابر حکایت
بسیار غلام رومی بوده که او یکی از جدهای رسول خدا صلی الله علیه و آله خرید
و دوست داشت او را بای سبب او را پسر خود خواند و در زمان جاهلیت
در عرب قاعده چنین بود که هر کس غلام خود را پسر خود میخواند او را پسر او
میدانستند هم در نسب و هم در ارث از این جهت در میان عرب و جمهور
شهرت دارد که بنی امیه و بنی هاشم خویشند و پسر عموهای یکدیگرند و اما معویه
پسر یزید بود و در میان نظیر پسر نوح است در میان خداوند حکمت

گاه از مؤمن محض کافر محض گاه از کافر محض مؤمن محض بیرون می‌آورد بجهة اظهار قدرت
خود ولعن الله ابن مرجانة ولعنت کند خدا عبید الله پسر زیاد پسر مرجانه زانیه را که
و چون مرجانه ملعونه بسیار صاحب شهرت بود بحدی که همه اهل مکه
بلکه همه عرب در آن زمان او را میشناختند از برای اولادش پدر
معلوم نبود اولادش را باسم او میخواندند ولعن الله عمر بن سعد
ولعنت کند خدا عمر پسر سعد را و این سعد پسر وقاص است و از جمله منافقین
است و پسرش عمر ملعون است در کتمان نفاق اسلام و امیر المؤمنین علیه السلام
بسیار او را لعن کرده ولعن الله شمراً ولعنت کند خدا شمر پسر ذی الجوشن
کلابی را و این ملعون ولد الزنا بود و مبتلا بمرض برص بود و صاحب
شناعتهای متعدده چون سگ بود ولعن الله امة اسرجت والجمت
وتنقبت وتهيأت لقتالك ولعنت کند خدا گروهی را که زین کردند
اسبان سرکش خود را و لجام کردند آنها را و نقاب بستند و مهیا و آماده
شدند از برای مقاتله و جنگ با تو و عادت عربان چنین بوده که
در جنگ نقاب می‌بستند بابي انت وامي يا ابا عبد الله فدای تو گردد
شد پدرم و مادرم یعنی پدر و مادرم بفدای تو باشد ای ابا عبد الله

لقد عظم مصابي بك قسم بخدا هر آینه بسیار بسیار عظیم و بزرگ شده است
مصیبت من بسبب تو فاسئل الله الذي اكرم مقامك واكرمني بك
ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى الله عليه
وآله پس سؤال میکنم خدائیرا که گرامی داشته است مقام و مرتبه
و منزلت ترا و گرامی کرده است مرا بوسیله تو بسبب اینکه روزی کند مرا که
طلب خون تو با امامیکه یاری کرده شده است از جانب خدا بقوه و هیبت
الهیه و معجزهای پیغمبران و ملائکه‌های آسمان از اهل بیت محمد مصطفی است
سلام و درود بر او فرستد خدا بر او و بر آل او اللهم اجعلني
عندك وجيها بالحسين عليه السلام في الدنيا والآخرة بار خدایا قرار بده مرا
در نزد خودت وجیه و با آبرو بوسیله امام حسین علیه السلام و بسبب آن
بزرگوار در شفاعت او در دنیا و آخرت یا ابا عبد الله انی اتقرب
الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة الزهراء والى الحسن وإليك
بموالاتك ای ابا عبد الله تقرب میجویم و نزدیکی میجویم بسوی خدا
و بسوی پیغمبر خدا و بسوی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و بسوی حضرت فاطمه
زهراء و بسوی امام حسن مجتبی و بسوی حضرت تو ای سید الشهداء بدوستی

میرزیدیم بانو و بانکه خود را از غلامان و محبان تو میشمارم وَبِالْبَرَاءَةِ
مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ و به بیزاری جستن از آن کسانیکه مقاتله
و جنگ کردند تو را و بر پا داشتند و راست کردند از برای تو جنگ را
وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ و به بیزاری جستن
از آن کسانیکه اساس چیدند و بنا نهادند ظلم و ستم بر شما اهل بیت
پیغمبر صلی الله علیه و آله وَأَبْرَأُ إِلَى اللّٰهِ وَإِلَىٰ رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذٰلِكَ
وَبَنَىٰ عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَىٰ فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَشْيَاعِكُمْ و بیزاری
میجویم بسوی خدای تعالی و بسوی پیغمبر او صلی الله علیه و آله از آن
کسانیکه اساس گذاردند اساس این ظلم و ستم بر شما را و بنا گذاردند بر این
ظلم و ستم بر شما بنیان عملش و اصل کار و عملش را و روان شد و عادت
کرد در ظلمش و ستمش بر شما اهل بیت و پیغمبر و بر شیعیان و تابعان
شما یا با جرات شد در ظلمش و ستمش بر شما و بر شیعیان شما بَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ
وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ بیزاری جستم بسوی خدای تعالی و بسوی شما اهل بیت از ایشان
کرده وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ وَإِلَىٰ رَسُولِهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوَالاتِكُمْ وَمُوَالاةِ وَلِيِّكُمْ
و تقرب و نزدیکی میجویم بسوی حضرت احدیت و بسوی پیغمبر او صلی الله

علیه و آله

صلی الله علیه و آله پس از آن بسوی شما اهل بیت پیغمبر بدوستی ورزیدن
با شما اهل بیت و دوستی ورزیدن با هر دوست شما وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمُ الْحَرْبَ و به بیزاری جستن از دشمنان شما
و از آن کسانیکه بر پا دارنده اند و راست کننده اند از برای شما اهل
بیت جنگ را وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ و به بیزاری جستن از
شیعیان و دوستان ایشان و از تابعان و پیروی کنندگان با ایشان إِنِّي سِلْمٌ
لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ
بتحقیق که آشتی و صلحم از برای هر کسی که با شما آشتی و صلح است و اعراض
بر شما ندارد و جنگم از برای هر کسی محاربه و جنگ شما را و با شما در مقام
اعراض باشد و دوستم از هر کسی که دوستی ورزد شما را و دشمنم از برای هر کس
که دشمنی کند شما را فَأَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ
وَرَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس سؤال
میکنم خداوند الجنانی را که گرامی داشت مرا بشناختن شما اهل بیت
باقرار بوجوب محبت و اطاعت شما و بشناختن دوستان شما بیک
داشتن ایشان با دل و دست و زبان و روزی کرد مرا بیزاری جستن

از دشمنان شما را انکه مرا با شما در دنیا بانکه مجاور شما در زیارت شما و عامل بقول شما

باشم و در آخرت در بهشت بشفاعت شما وان یثبت لی عندکم قدم صدق

فی الدنیا والآخرة سؤال میکنم خدا را انکه ثابت کذارد از

برای من در نزد شما قدم راستی را در دنیا بانکه در ایمان بخدا

واطاعت و محبت شما ثابت باشم و در آخرت بانکه با اعلی درجه

آخرت سوم و بشفاعت شما در جوار شما باشم واسئله ان یبلغنی المقام

المحمود الذی لکم عند الله و سؤال میکنم از خدا را انکه برساند

مرا بان مقام و مرتبه که محمود و پسندیده شده است از برای شما اهل بیت

در نزد خدای تعالی وان یرزقنی طلب ثارکم مع امام هدی ظاهر

ناطق بالحق منکم و سؤال میکنم خدا را انکه مرا طلب کردن خون شما ده ۲ روزی کند

با امامی که هدایت یافته شده از جانب خدا و ظاهر شونده است و گوینده حق

سخن حق و راستی و از شما اهل بیت است واسئل الله بحقکم وبالشأن

الذی لکم عنده ان یعطینی بمصابی بکم افضل ما یعطی مصابا بمصیبته

و سؤال میکنم خدا را بحق شما اهل بیت و بان شأن و مرتبه که

از برای شما اهل بیت در نزد اوست انکه رحمت کند و عطا کند مرا

بمصیبت

بمصیبت رسیده من بشما فاضلتر و بهتر اجر و ثوابی که عطا می کند مصیبت

رسیده شده را بمصیبتی مصیبة ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام

وفی جمیع اهل السموات والارض قصد میکنم بمصیبت خود مصیبتی

را با مصیبت من مصیبتی است که چه چیز عظیم و بزرگ است

که عظیم و بزرگ کرده است رزیه و اندوه و بلای او را در اسلام و در همه

اهل همه اسمانها و اهل زمینها که همه را از خود باز داشته و بگریه و نوحه

و ندبه و تعزیه داری مشغول کردانید اللهم اجعلنی فی مقامی هذا

ممن تناله منک صلوات ورحمة ومغفرة بار خدایا قرار بده مرا

در محل ایستادن من این محل ایستادن که محل زیارت و قرب ولی مطلق

تو است از ان کسانیکه میرسد انها را از جانب حضرت تو درودها و تحیتها

و رحمتها و امرزش کناهان یعنی خداوندا بسبب این زیارت عزادار

کناهانم را بیامرز و از جحیم خلاصیم بخش و بعد از ان رحمتت را

شامل من قرار ده و مرا داخل بهشت جاویدت بکردان و بعد از ان

بان تحیتها و درودها که خاصانت را ممتاز کردانیده مرا نیز با بقا

سرافراز کردان اللهم اجعل محیای محیا محمد وآل محمد صلی الله علیه وآله

بارخدایا قرار بده زندگی مرا مثل زندگی محمد و آل محمد در تقوی و عبادت
و زهد و در سلوک روزی حلال بقدر کفاف و بی احتیاجی بسوی
لئیمان خلق و ثابت بودن بر عقاید ایشان و ممات محمد و آل محمد
صلی الله علیه و آله و قرار بده مرگ مرا مثل مرگ محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله
در آسانی جان دادن و با ایمان کامل رفتن و نجاة از نار و در دخول
بهشت و حشر با ابرار اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة
بارخدایا بتحقیق که امروز که روز عاشورا است روزی است که تبرک
جستند باین روز بنو امیه و قرار روز عید و روز برکت از برای
خود و شیعیان خود قرار دادند و اگر چه غیر روز عاشورا بخوانند بگوید
اللهم ان یوم عاشورا یوم یا اللهم ان یوم قتل الحسین یوم
تا دروغ نگفته باشد و ابن آکلة الاکباد اللعین ابن اللعین علی لسانک
و لسان نبیک صلی الله علیه و آله فی کل موطن و موقف وقف فیه
نبیک صلوات الله علیه و آله و روزی است که شاد شدند باین روز
یزید پسر معویه پسر هند جگر خوار که حکم ها ادعی است که لعنت کرده شده
این یزید و پدرش لعنت کرده شده است بزبان تو خدایا یعنی در کتابهای

آسمانی و در وحیها که به پیغمبران پیش فرستاده و بر زبان پیغمبر تو صلی الله
علیه و آله در هر نشیمن گاه و موطنی و در هر محل توقف و درنگی که توقف
و درنگ کرد در آن محل پیغمبر تو درودهای تو و بخششهای تو بر آن پیغمبر
و آل او باد و در میان عرب و عجم اولاد اولاد شخص را اولاد شخص می گویند
از این جهت یزید را پسر هند میخوانند چنانکه معویه را پسر هند میخوانند
و هند را آکلة الاکباد میگویند سبب آنکه ابو سفیان مرد کوتاه
قد و زشت صورت و هند با جمال بود از این جهت بیاره از اعراب فریفته
او بودند از جمله آنها وحشی بود که غلام بود حبشی عاشق جمال کمال هند
و بهیچ وجه وصالش دست نمیداد تا جنگ احد پیش آمد وحشی را
طلبید و گفت اگر محمد صلی الله علیه و آله یا علی علیه السلم را یا حمزه علیه السلم
کشتی دست تو بدامان وصال می خواهد رسید وحشی دست قبول بر سینه
نهاد و مضمون این مصراع گفت برای مژده گر جان فشانم رواست
و بتعجیل آمد و در کمین گاه نشست تا آنکه حضرت حمزه علیه السلم را بدرجه
رفیعه شهادت رسانید و مژده بهند برد هند امر کرد که جگر
حضرت حمزه علیه السلم را برایش بیاورد آن ملعون پهلوی مبارک حمزه را

شکافت و جگر مبارکش را برای هند برد و او جگر را در دهان گذارد که
بخاید که جگر مثل سنگ شده و او جگر را بیرون انداخت و ملائکه جگر را بجایش
برگردانیدند پس وحشی کام خود را از هند ها بجا گرفت از این جهت هند را
آکلة الاکباد میگویند اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا سُفْیَانَ وَ مُعٰوِیَةَ بْنَ اَبِي سُفْیَانَ
وَ یَزِیدَ بْنَ مُعٰوِیَةَ بار خدایا لعنت کن ابا سفیان را و معویه پسر ابی سفیان
و یزید پسر معویه را و ابو سفیان در اوائل اسلام سرکرده کفار بود و جنگهای
بسیار با رسول کرد و در آخر از ترس مسلمان شد و از جملهٔ منافقان بود
و عرب بیشتر خارجیها را ابو سفیان میگفتند و معویه پا دار دین در کفر
بیشتر از پدرش بود و اظهار ملامت میکرد بر اسلام و در جنگها با پدرش بود
و در آخر از ترس اسلام آورد و جنگهای بسیار با امیر المؤمنین علیه السلم کرد
و عمار یاسر را شهید کرد و سبب شهادت امیر المؤمنین شد و امام حسن علیه السلم
را شهید کرد و بدعتهای بسیار گذاشت از آنجمله لعن امیر المؤمنین علیه السلم
بر منبرها در همهٔ شهرها و عرب مسلمانها دم که بر وفات ایشان صدا میکنند
معاویه میگویند و یزید زیادتی کرد به پدر و جد خود در همهٔ جنگها با اینها
بعده علاوه سید الشهداء علیه السلم را با اصحابش شهید کرد و سرهای

مطهره

مطهره ایشان را با عیال و اطفال ایشان بر سر شهر بشهر با اسیری برد و مدتی در حبس
نگاه داشت و خانهٔ کعبه را خراب کرد و مدینه طیبه را غارت کرد و همه مردان
انصار را کشت بروایتی در آن غارت ده هزار زن صحابی بی نا محرم بود داشتند
و خون در مسجد رسول خدا جاری شد و اسبهای لشکرش در مسجد رسول
سرگین انداختند و در روایات بسیار رسیده که ادعای خدائی کرد
و در بعضی از روایات وارد شده که قرآن مجید را سوخت علیهم منه
اللعنة ابد الابدین بر ایشان باد از جانب تعالی خدا لعنت همیشه
همیشه کننده گان و مراد همیشه بودن لعنت داشت که هیچ دقیقه وانی
فارغ از لعنت نباشند وَهٰذَا یَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ
بِقَتْلِهِمُ الْحُسَیْنَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ و امروز روزی است که خوشحال بودند
و عید کردند در این روز اولاد زیاد و اولاد مروان بسبب کشتن ایشان
حضرت امام حسین علیه السلم را در دردها و بخششهای خدای تعالی برای
سرور و خلوه باد که در غیر روز عاشورا بخواند و یوم عاشورا نیز
باد و یوم قتل الحسین علیه السلم یَوْمٌ اَللّٰهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَیْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْاَلِیمَ
بار خدایا مکرر و بی اندازه و بی نهایت گردان برای کشتن گان

سید الشهداء علیه السلام لعنت و دور دار از رحمت را از جانب خود است و مکرر
ولی اندازه کردن بر ایشان عذاب دردناک جهنم را اللهم انی
اتقرب الیک فی هذا الیوم و فی موقفی هذا و ایام حیوتی بالبرائة
منهم واللعنة علیهم بار خدایا بتحقیق که من تقرب و نزدیکی میجویم
بسوی حضرت تو در این روز و در محل ایستادن من این محل ایستادن
و در روزهای زندگانی من به بیزاری جستن از ایشان یعنی از کشندگان
سید الشهداء علیه السلام و بلعنت کردن بر ایشان و بالموالاة لنبیک
و آل نبیک علیه و علیهم السلام و تقرب میجویم بسوی تو و بدوستی فرزندان
از برای پیغمبر تو و آل او پیغمبر بر آل پیغمبر درود ایشان باد سلام
پس صد مرتبه بگوید اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر
تابع له علی ذلک بار خدایا لعنت بکن اول ستم کننده را که ستم کرد
حق پیغمبر و آل پیغمبر را و آخر تابع شونده از برای این اول ظالم
بر این ستم بر پیغمبر و آل پیغمبر را و آخر کسیکه ظلم میکند بر حضرت خاتم
عجل الله فرجه و جعلنا من انصاره بمحمد و آله و انقاذهم علماء
که هر کلامی شامل اول و آخر جزئی شود در سلطه داخل است حکم خواهد بود

پس چون

پس چون اول ظلم ظالم و آخر ظالم ملعونند بالفحوی اشخاصی که در این میان
ظلم باولاد ائمه و سادات بدست یا بزبان یا بدل میکنند ملعونند
بلعن ائمه و جمیع صلحاء جن و انس و هر کس که این زیارت شریفه را تلاوت
میکند اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین علیه السلام و شایعت
و بایعت و تابعت علی قتله بار خدایا لعنت بکن آن گروه را چنانکه
که جنگ کردند با امام حسین علیه السلام و متابعت و پیروی یکدیگر کردند
و بیعت با یزید و ابن زیاد بر قتل آنحضرت و متابعت یکدیگر کردند
بر قتل آنحضرت و از یکدیگر کمک و انفصال نداشتند و شنیده شده
که در بعضی از نسخهای زیارت تابعت بیاء صاحب دو نقطه زیر پیش
از عین یعنیان کرده که سرعت کردند و لجاجت کردند بر قتل آنحضرت
اللهم العنهم جمیعا بار خدایا لعنت بکن این گروه را همه را و در بعضی از نسخ
بعد جمیعا چنین است و عذبهم عذابا الیما و عذاب بکن این گروه را
عذابی دردناک پس صد مرتبه بگوید السلام علیک یا ابا عبدالله و علی
الارواح التی حلت بفنائک حضرت واصل سلام بر تو باد ای
ابا عبدالله و بر آن روحهای مطهره که در جنابت نازل شده و جا گرفتند

نفث

در فنای تو و در نزدیکی و پناه تو عَلَیْکَ مِنّی سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقیتُ
وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ بر تو باد از جانب من سلام خدای تعالی
همیشه مادامی که باقی باشم من و باقی باشد شب و روز وَلا جَعَلَهُ اللهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکُمْ و قرار ندهد خدای تعالی این روز را
یا این زیارت یا این ایستادن بجهت زیارت را آخر عهد و نشان داده
از من مر زیارت تو را و مراد این است که خدا قرار ندهد این زیارت
را آخر زیارت من اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَعَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَعَلی
اَوْلادِ الْحُسَیْنِ وَعَلی اَصْحابِ الْحُسَیْنِ سلام بر حسین و علی بن الحسین
و بر اولاد و اصحاب حسین و در بعضی از نسخها و علی علی الحسین
را مذکور ندارد اَللّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّی بار خدایا مخصوص
بگردان تو اول ستم کننده را بلعنت و دوری از رحمت خود از جانب من
وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثّانِیَ ثُمَّ الثّالِثَ ثُمَّ الرّابِعَ و ابتدا کن بلعنت
اول را پس از آن دویم را پس از آن سیم را پس از آن چهارم را و مراد
باول قابیل است و بدویم قیدار بن سالف است که پی کننده ناقه
صالح است و بسیم کشنده حضرت یحیی است و بچهارم عبدالرحمن

به

بن ملجم مراد است یا مراد باول نمرود است و بدویم فرعون و بسیم
دقیانوس است و بچهارم بر دار کننده حضرت عیسی علیه السلام است یا مراد
باول سامری است و بدویم شداد است و بسیم بخت النصر است و بچهارم
دجال است یا مراد باول ابوجهل بن هشام است و بدویم ابوعامر
راهب است که کوسالدای امت است و بسیم نعمان بن حرث فهری است
که انکار امارت امیرالمؤمنین را کرد و از خدا از روی لجاج طلب کرد
سنگی را از هوا بر سر او آمده بجهنم شتافت و سوره مبارکه سأل سائل
درباره او نازل شده و بچهارم عبدالرحمن بن ملجم مراد است یا
مراد باول ابلیس است که معلم اول است و بدویم نفس اماره است که تابع
ابلیس است و بسیم سلطان ظالم است که مخرب بلاد است و بچهارم
عالم غیر عامل است که مخرب عباد است یا مراد باول سلطان ظالم است
که مخرب اقلیم است و بدویم عالم فاسق است که مخرب دین است و بسیم
والی ظالم است که مخرب بلد است و بچهارم طبیب فاسق است که مخرب
بنیان وجود است و اما آنچه از بعضی عوام شیعه که در زمانهای پیش
بوده اند نقل شده که مراد خلفا باشند پس سخنی است که ناشی شده از عناد

تعصب و جهالت و دخلی بمذهب ندارد و این گونه سخنان که او گفتن شنیده
نیست بلکه گوینده این سخنان را تنبیه و تعزیر میکنند اللهم العن
یزید بن معویة خامسا بار خدایا لعنت بکن یزید بن معویه را در جائی
که پنجمی است و در لعن یزید در میان علماء اسلام خلافی نیست بلکه علامه
سعد الدین تفتازانی در کتاب شرح مقاصد گفته علماء خلاف ندارند
در اینکه معویه مستحق لعن است ولکن تجویز نمی کنند از برای اینکه سرایت
بخلفاء راشدین نکند و هم چنین علامه محمد بن ابی طلحه شافعی در کتاب
مطالب السئول و جماعه از علماء مثل عبد الحمید بن ابی الحدید و ابن جوزی
حنفی و دیگران و از علامه سعد الدین تفتازانی نقل شده که او گفته
اللعن علی یزید فی الشرع یجوز و اللاعن یجزی حسنات و یجوز
صح لدی انه معتل و اللعن مضاعف و ذاک مهموز پس جای
بعضی از افاغنه لعن یزید را بنا بر اخبار حکایت شده نیست مگر از
راه تعصب و العن عبید الله بن زیاد که پسر زیاد است و پسر مرجانه است
و لعن بکن عبید الله را که پسر زیاد است و پسر مرجانه است و عمر بن سعد
و شمرا و لعن بکن عمر پسر سعد را و شمر بن ذی الجوشن کلابی را که بنابر مشهور

[illegible]

قاتل

قاتل آنحضرت است و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامة
و لعنت بکن اولاد ابی سفیان را و اولاد زیاد را و اولاد مروان را تا روز
قیامت پس بسجده میروی و میگوئی اللهم لک الحمد حمد الشاکرین
لک علی مصابهم بار خدایا از برای تو است حقیقت حمد و ستایش مثل
حمد و ستایش کردن آنکسانیکه شکر گذارنده و پاداش دهنده اند
مر تو را بر مصیبت رسیدن ایشان بمصیبتها الحمد لله علی عظیم رزیتی
حقیقت حمد و ستایش از برای خداوند است جل شانه برای بزرگی مصیبت
در رسیدن من که مصیبت سید الشهداء علیه السلام باشد اللهم ارزقنی شفاعة
الحسین علیه السلام یوم الورود بار خدایا روزی کن مرا و نصیب کردان مرا
شفاعت حضرت امام حسین علیه السلام را در روز وارد شدن من با حضرت
و بیرون رفتن من از دنیا بار روز وارد شدن من بصحرای محشر که روز
قیامت است و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و ثابت کردان
از برای قدم راستی و ثبات مرا در ایمان و نزد خدمت با حضرت امام
حسین علیه السلام و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام و با یاران
امام حسین علیه السلام الجنان کسانیکه بخشش کردند دلهای خود را و کذشتند

الشهدا

از قلبها خود که اشرف اعضای انسان و حیوة انسانی باو بپاست نزد سید الشهداء علیه السلم و در رکاب سعادت انتساب آنحضرت از مردم خود غلطیدند و از باقی اولیاء مقربین با ورع آن سر در ممتاز کردیدند فائده علامه مجلسی ره در تحفه فرموده اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله را با آل بنیك علیهم السلم بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند و بعد از صد مرتبه لعن بار دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام باز دیگر نماز بکند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز نماز کند ان شاء الله بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات بعیده را عمل آورده و نماز بکند و بعد از آن این اعمال بعمل آورد ظاهر انجح باشد و اگر زیارت ششم امیر المؤمنین علیه السلم با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را نزد ضریح حضرت امیر المؤمنین علیه السلم بعمل آورده و جه

دعا بعد از زیارت عاشورا یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین ای خدا ای خداوندا ای خداوندا ای اجابت کننده دعای آنکسانیکه فرمانده کانند یا کاشف کرب المکروبین ای برطرف کننده اندوه آنکسانیکه اندوه گین شده کانند یا غیاث المستغیثین ای

فریاد

۸۱

فریاد رس آنکسانیکه طلب فریاد رسی میکنند یا صریخ المستصرخین و ای داد رسنده آنکسانیکه طلب داد رسی میکنند و یا من هو اقرب الی من حبل الورید و ای کسیکه او نزدیکتر است بمن از رگ گردن یا من یحول بین المرء و قلبه ای آنکسیکه حائل میشود میانه مرد و دل او گردش در قدرت خداست میگرداند او را از شر دیگر و یا من هو بالمنظر الاعلی و ای آنکسیکه او در محل نظر بلند است می بیند هر چیزی را و هیچ چیزی او را نمی بیند و مشاهده نمیکند او را مگر قلوب بحقائق ایمان و بالافق الاعلی و در افق اعلی آشکار است یعنی پوشیده نیست بر هیچ مخلوقی و هر چیزی شهادت بوجود او و وحدانیت او میدهد بلکه درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقی اینست از اثر کردگار و فی کل شیء له آیة تدل علی انه واحد و یا من هو الرحمن الرحیم و ای آنکسیکه او بسیار رحم کننده است در دنیا و آخرت و بسیار مهربان است علی العرش استوی که رو آورده است باو بدله عرش و یا من یعلم خائنة الاعین و ای آنکسیکه او میداند خیانت کننده چشمها را و ما تخفی الصدور و آنچه که پنهان میکند او را سینههای مردمان و یا من لا یخفی علیه خافیة و ای آنکه

کسیکه پوشیده نیست براو هیچ نهانی و یا من لا تشتبه علیه الاصوات
ای آنکسیکه مشتبه نمیشود براو آوازهای دعا کننده کان و خوانندگان
درگاه تو و یا من لا تغلطه الحاجات ای آنکسیکه بغلط نمی اندازد
او را حاجتها حاجت مندان و حاجت کسی را بحاجت دیگری غلط نمیکند
و یا من لا یبرمه الحاح الملحین ای آنکسیکه تنگ نمی آورد
و ملال نمی آورد او را الحاح کننده کان و اصرار اصرار کننده کان
باعث تنگ آمدن و ملال او نمیشود یا مدرک کل فوت ای دریابنده
هر گم شده و یا جامع کل شمل ای فراهم آورنده هر پراکنده و یا
بارئ النفوس بعد الموت ای آفریننده همه جانها پس از مردن آنها
یا من هو کل یوم فی شأن ای خداوندی که در هر روزی در شأنی
و کاری هستی یا قاضی الحاجات ای خداوندی که برآورنده حاجتهای
خلق را یا منفس الکربات ای گشاینده و برطرف کننده همه اندوهها
یا معطی السؤلات ای عطا کننده و دهنده همه سؤال کرده شدهها
یا ولی الرغبات ای ولی و متولی و صاحب اختیار همه رغبتها و میلهای
خلق یا کافی المهمات ای کفایت کننده همه امرهای مهم خلق از بزرگ

براد

۲۱ از هر چیزی در نظر بیاورد

برای دفع دشمن یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء فی السموات
و الارض ای آنچنان خداوندیکه نگاه میدارد از او هیچ چیزی
در آسمانها و همه زمین اسئلک بحق محمد و علی و بحق فاطمة بنت
نبیک و بحق الحسن و الحسین سؤال میکنم جناب ترا بحق پیغمبر
محمد مصطفی و بحق وصی پیغمبر علی مرتضی و بحق حضرت فاطمه
زهرا دختر پیغمبر و بحق دو سبط پیغمبر امام حسن و امام
حسین فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا پس بتحقیق که من
بجهت ایشان و بآبروی ایشان روی میآورم بسوی درگاه
حضرت تو در محل ایستادنم این محل ایستادنم و بهم اتوسل
و بهم استشفع الیک و بآبروی ایشان توسل میجویم بسوی تو ایشان
و بآبروی ایشان طلب درخواست میکنم بسوی حضرت تو
و بحقهم اسئلک و اقسم و اعزم علیک و بحق ایشان و بقرب
ایشان در بارگاه احدیت سؤال میکنم ترا قسم میدهم
و طلب معین جازم میکنم برضای تو و بالشأن الذی لهم
عندک و بآن شأن و مرتبه ایکه از برای ایشان است در نزد تو

وبالعترة الذين هم عندك وبآن تو و حرمتیکه از برای ایشانست در
نزد تو وبالذي فضلتهم على العالمين وبآن چنان چیزیکه فضیلت
وبرتری دادی ایشان را بر عالمیان وباسمك الذي جعلته عندهم
وبه خصصتهم دون العالمين وباسم اعظم تو آنچنان اسمیکه قرار
دادی او را در نزد ایشان وباو مخصوص کردانیدی ایشان را
سوای اهل عالمها وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمين
وبسبب آن اسم ظاهر وجدا ساختی ایشان را از اهل عالمها
وظاهر وجدا ساختی بسبب او فضل ایشان را از فضل اهل عالمها
حتى فاق فضلهم فضل العالمين تا آنکه فائق آمد فضل ایشان بر فضل اهل
عالمها ان تصلي على محمد وآل محمد اینکه صلوات ودرود
بفرستی بر محمد وآل محمد اینکه صلوات ودرود بفرستی بر محمد و
آل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي واینکه برداری از
من غم مرا وغصه مرا واندوه مرا وتكفيني المهم من اموري
وکفایت کنی مرا آنچیزیرا که مهم ولازم است از امرهای من وتقضي
عني ديني واداء بسازی از من قرض مرا وتجيرني من الفقر و
تلافی کن

۹

تلافی کنی مرا از فقر و مرا غنی بکردانی از سؤال از خلق وتجيرني من الفاقة
وپناه دهی مرا از فاقه وابتلاء با مراض وتغنيني عن المسألة الى
المخلوقين وبی نیاز بسازی مرا از سؤال بسوی مخلوقها وتكفيني
هم من اخاف همه وبکاه بداری مرا غصه کسیکه میترسم غصه او را
وعسر من اخاف عسره ودشواری کسیرا که میترسم دشواری او را
وحزونة من اخاف حزونته وسختی کسی را که میترسم سختی او را
ومكر من اخاف مكره ومکر کسیرا که میترسم مکر او را وبغي من
اخاف بغيه وسرکشی کسیرا که میترسم سرکشی او را وجور
من اخاف جوره وستم کسیرا که میترسم ستم او را وسلطان
من اخاف سلطانه وتسلط یافتن کسیرا که میترسم تسلط یافتن
او را وكيد من اخاف كيده وحیله جستن کسی را که میترسم
حیله جستن او را ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علي و
اندازه کردن یا تنگ گرفتن کسی را که میترسم بلای اندازه
کردن یا تنگ گرفتن او را بر من وترد عني كيد الكيدة ومكر
المكرة واینکه برگردانی از من حیله کری حیله کران را و مکر

سختی او را وشر من اخاف شره وشر کسی را که میترسم شر او را [illegible]

مکر کنند و کار را اللهم من أرادني فأرده ومن كادني فكده بار خدایا هر کس اراده
کند مرا ببدی یعنی اراده بدی بمن کند پس اراده بکن او را ببدی و بدی را باو
بکردان و اگر کسی کید و حیله کند مرا پس کید بکن او را و حیله‌ش را باو
بکردان واصرف عني كيد من كادني ومكره وبأسه وأمانيه و دور کردان از من
حیله کردنش را و مکر او را و شدت کردن او را و آرزوهای او را در اذیت من
باز دار ایشان را از من وامنعه عني كيف شئت وأنى شئت و باز دار
او را از من بهر حال که بخواهی و بهر زمان و با هر مکان با هر طریق که بخواهی
اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره بار خدایا مشغول بساز او را از من بفقری که
تلافی نکنی او را و غنی نکنی او را وببلاء لا تستره و ببلا که نپوشی او را
یعنی ببلاء دنیوی که ظاهر است و بپوشیده نیست یا ببلاء در بدن او که
ظاهر باشد یا ببلاء که او را در میان خلق بی پرده و رسوا سازد یا ببلا که
نپوشی او را بعفو کردن وبفاقة لا تسدها و بفقری که سد نکنی او را وبسقم لا تعافيه ع
و ناخوشی در بدنش که عافیت نبخشی او را وبذل لا تعزه و بذلت و
خواری که عزت نکنی او را وبمسكنة لا تجبرها و بگدائی و سؤال از خلق
که تلافی نکنی او را اللهم اضرب بالذل نصب عينيه بار خدایا بزن خواری

بده ذلت و خواری را نصب دو چشمش که غیر از خواری چیزی دیگر نبیند
وادخل عليه الفقر في منزله و وارد و داخل بساز بار دیگر فقر را در منزلش
والعلة والسقم في بدنه و بدتری و ناخوشی و بیماری را در بدنش حتى تشغله عني
بشغل شاغل لا فراغ له تا اینکه مشغول بسازی او را از من بشغلی
که مشغول سازنده باشد او را از من که فراغت و خلاصی از آن
او نباشد تا با اذیت من نپردازد وأنسه ذكري كما أنسيته ذكرك
واز خاطرش ببر یاد مرا همچنانکه از خاطرش برده ای یاد خود را
وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه
و بگیر از جانب من گوش او را و چشم او را و زبان او را و دست او را
و پای او را و دل او را و همه اعضا و جوارح او را که هیچ یک از آنها
اراده بدی بمن نکند وادخل عليه في جميع ذلك السقم و داخل
بساز بر او در همه اعضا و جوارح مرض و بیماری را ولا تشفه
حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري و شفا مده
او را تا قرار دهی این مرض را از برای او مشغله و کاری که مشغول
شونده باشد او به مرض از من و از یاد من واكفني يا كافي ما لا يكفي

سوالك وكفايت كن مرا اى كفايت كننده انچيزيكه كفايت نميكند يعنى از
تو فانك الكافى پس بتحقيق توئى كفايت كننده لا كافى سواك كفايت
كننده نيست بجز تو ومغيث لا مغيث سواك وفرياد رسنده
اى كه فرياد رسنده نيست بجز تو وجار لا جار سواك وپناه كه
نيست پناهى بجز تو خاب من كان رجاؤه سواك نااميد شد كسى كه
بود اميد شخصى غير تو ومفزعه سواك وفرياد رس او غير از تو ومفزعه
الى سواك ومحل فزع وداد رسش بسوى غير تو ومهربه وملجاه الى
غيرك وگريزگاه هو وپناهش بسوى غير تو ومنجاه من مخلوق
غيرك ومحل نجاتش از مخلوقى باشد بجز تو فانت ثقتى ورجائى
پس توئى محل اعتماد من واميد من ومفزعى ومحل فزع وداد من
ومهربى ومحل گريز من وملجائى ومحل پناه من ومنجاى ومحل نجات من
فبك استفتح پس بجناب تو طلب گشايش ميكنم وبك استنجح وبسبب تو
طلب رستگارى ميكنم وبمحمد وال محمد اتوجه اليك وبابروى اقايان
خود محمد وال محمد روميآورم بسوى درگاه تو واتوسل ووسيله
جوئى ميكنم واتشفع وطلب شفاعت ميكنم فاسئلك پس سوال ميكنم

تو را

تو را يا الله اى خداوندا يا الله اى خداوندا يا الله اى خداوندا فلك الحمد
پس از براى تست ستايش ما بندگان ولك الشكر واز براى تست
پاداش وشكر ما بندگان واليك المشتكى وبسوى تست شكايت وداد
خواهى ما بندگان وانت المستعان وتوئى طلب اعانت ويارى كرده شده
در سختيها وبلاها فاسئلك يا الله بحق محمد وال محمد پس سوال ميكنم تو را
اى خداوند بحق محمد وال محمد ان تصلى على محمد وال محمد اينكه درود
بفرستى بمحمد وال محمد وان تكشف عنى همى واينكه بردارى از من غم مرا
وهمى وغصه مرا وكربى واندوه مرا فى مقامى هذا در جاى ايستادم اينجا
كما كشفت هم چنانكه برداشتى عن نبيك از پيغمبرت همه غصه او را
وغمه وغم او را وكربه واندوه او را وكفيته هول عدوه وحفظ
كردى نگاه داشتى او را از ترس دشمنش را فاكشف عنى كما كشفت
عنه پس بردار از من هم چنانكه برداشتى از آن وفرج عنى كما
فرجت عنه وبگشاى از من غصه مرا هم چنانكه گشودى از او
واكفنى كما كفيته ونگاه دار مرا هم چنانكه نگاه داشتى او را
واصرف عنى هول ما اخاف هوله وبرگردان از من ترس هر چه مرا

که صبر بسیم توسل ورا و مؤنتها ما اعظمها و مؤنتها و سنگینی هرچند اکه صبر بسیم
سنگینی او را وهم ما اعظمها فجعتها و عضه هرچند اکه صبر بسیم عضه او را بلاء
علی نفسی من ذلک بدل وه سنگینی بر جان من از اذیتهما و اصرفنی بقضاء حوائجی
و بر گردان مرا از اینجا بر آورده همه حاجتهای من و کفایة ما اهمنی همه
امر آخرتی و دنیای و نگاه داشتن آنچه بعضه اند اند مرا عضه او از امر آخرت
من و دنیای من یا امیر المؤمنین و یا ابا عبد الله السلام علیکما منی سلام الله
ابداً ای امیر المؤمنین و ای ابا عبد الله بر شما دو بزرگوار باد از جانب من
سلام خداوند همیشه ما بقیت و بقی اللیل و النهار ما دامیکه باقی باشم
من و باقی باشد شب و روز و لا جعله الله آخر العهد من زیارتکما و
قرار ندهد خداوند این زیارت مرا آخر عهد من از زیارت شما دو بزرگوار
و لا فرق الله بینی و بینکما و جدائی نیاندازد خداوند میان من و میان شما
دو بزرگوار اللهم احینی حیوة محمد و ذریته بار خدایا زنده بدار مرا بقسم
زندگی محمد صلعم و ذریته او و اولاد طاهرین او و امتنی مماتهم و بمیران مرا
بقسم مردن ایشان و احشرنی فی زمرتهم و محشور کن و بر انگیزان مرا
در میان اصحاب و گروه ایشان و لا تفرق بینی و بینهم طرفة عین ابدا

فی الدنیا والآخرة و جدائی میانداز میان من و میان ایشان بقدر چشم بهم زدنی
هرگز در دنیا و آخرت یا امیر المؤمنین یا ابا عبد الله اتیتکما ای امیر المؤمنین
ای ابا عبد الله آمدم بخدمت شما دو بزرگوار و اگر از دور زیارت
بکنند بگوید توجهت الیکما یعنی رو آوردم در روی خود را کردنم
بسوی شما دو بزرگوار زائراً آمده در حالتی که زیارت کننده ام شما را و
متوسلاً الی الله ربی و ربکما در حالتی که وسیله جوینده ام بسوی خداوند
پروردگار من و پروردگار شما دو بزرگوار و متوجهاً الیه بکما و در
حالتی که رو آورنده ام بسوی او با بر روی شما دو بزرگوار و مستشفعاً
بکما الی الله فی حاجتی هذه و در حالتی که طلب شفاعت و میانجی کننده ام
بشما دو بزرگوار بسوی خداوند در حاجت من این حاجت فاشفعا
لی پس شفاعت کنید شما دو بزرگوار از برای من فان لکما عند الله
المقام المحمود پس بتحقیق از برای شما دو بزرگوار است در نزد خداوند
مقام و مرتبه محموده پسندیده و الجاه الوجیه و قدر بسیار
وجیه و معتبر و المنزل الرفیع و منزل و مکان رفیع و بلند
و الوسیلة و مرتبه وسیله و مرتبه شفاعت کردن و وسیله شدن

ازبرای دیگران إنّی أنقلبُ عنکما منتظراً لتنجّز الحاجة بتحقیق
که من برمیگردم از زیارت شما دو بزرگوار در حالتیکه منتظرم
و چشم داشت دارم مر تنجّز و زود روا شدن حاجت مرا
و قضائها و روا شدن آن حاجت و نجاحها و رستگاری آن
حاجت من الله از خداوند لشفاعتکما لی الی الله فی ذلک
بسبب شفاعت و میانجی گری شما دو بزرگوار از برای من بسوی خداوند
در خصوص این حاجتها فلا اخیب پس نا امید نشوم من و لا یکون
منقلبی منقلباً خائباً خاسراً و نمی باشد بازگشتن من از زیارت
شما بازگشتنی نا امید و زیان کار بل یکون منقلبی منقلباً
راجحاً مفلحاً منجحاً بلکه بوده باشد بازگشتن من بار جحان و زیادتی
و با فلاح و رستگاری و نجاح مستجاباً لی بقضاء جمیع حوائجی
که اجابت شده باشد از برای من بروا شدن همه حاجتهای من و تشفعا
لی الی الله با آنکه شفاعت بکنید شما دو بزرگوار بسوی خدا
انقلب علی ما شاء الله برگشتم از زیارت شما بر خواستن
خداوند و با برکتهای ما شاء الله و کلمات بعد از آن و لا حول

ولا قوة

ولا قوة الا بالله و نیست نگاه داشتن از معاصی و نه قوتی بر طاعات مگر اینکه
مگر با مداد و توفیق خداوند مفوّضاً امری الی الله در حالتیکه وا گذارنده‌ام
همه امر خودم را بسوی خداوند و ملجئاً ظهری الی الله پناه دهنده
پشت دهنده‌ام پشتم را بسوی لطف خداوند و متوکلاً علی الله
و واگذارنده‌ام امورات خود را بر خداوند و اقول حسبی الله و کفی
میگویم بس است مرا خداوند و کافی و نگاه دارنده است سمع الله
لمن دعا شنید و اجابت کرد خداوند از برای هرکه خواند او را لیس
لی وراء الله و وراءکم یا سادتی منتهی نیست از برای من بغیر از خداوند
و بغیر از شما ها ای آقایان من نهایت و نهایت مقصودی
ما شاء ربی کان و ما لم یشأ لم یکن هرچه را اگر بخواهد پروردگار من موجود
میشود و هرچه را اگر نخواهد موجود نخواهد شد و لا حول و لا قوة
الا بالله و نیست نگاه داشتنی از بدیها و قوتی بر نیکیها مگر بتوفیق
و یاری خداوند استودعکما الله طلب ودیعه و حفظ میکنم شما را از خدا
یعنی شما را بخدا میسپارم از خدا میخواهم حفظ شما دو بزرگوار را و لا
جعله الله آخر العهد منی الیکما و قرار ندهد خداوند این زیارت را آخر

عهدی یعنی از شناسائی و زیارتی و دیدن از من بسوی شما دو بزرگوار
انصرفت یا سیدی یا امیر المؤمنین و مولای باز گردیدم از زیارت ای
آقای من ای امیر مؤمنان و ای مولا و صاحب من و انت یا ابا عبد الله
و یا سیدی و خطاب بتو ای ابا عبد الله و ای آقای من و سلامی علیکما
متصل ما اتصل اللیل والنهار و حال اینکه سلام من بشما دو بزرگوار
متصل و پیوسته است مادامیکه پیوسته و متصل باشد شب و روز
واصل ذلک الیکما و رسنده است این سلام من بسوی شما دو بزرگوار
غیر محجوب عنکما سلامی ان شاء الله و محجوب و پوشیده و با حجاب نیست
از شما دو بزرگوار سلام من اگر بخواهد خداوند و لفظ ان شاء الله
بجهة تبرک است و بجهة اینکه خداوند توفیق زیارت دیگر تا عمر
باقی است بدهد واسئله بحقکما ان یشاء ذلک و یفعل و سؤال میکنم
خداوند را بحق شما دو بزرگوار اینکه بخواهد این زیارت و سلام مرا
و بجای آورد این را انه حمید مجید بدرستیکه او خداوند ستایش
کرده شده با مجد و بزرگوار است انقلبت یا سیدی عنکما باز گشتم
ای دو آقای من از زیارت شما دو بزرگوار تائبا در حالتیکه توبه

کننده‌ام

کننده‌ام از گناهانم حامدا لله و حمد کننده‌ام خداوند را شاکرا
و شکر کننده‌ام خداوند را که توفیق داد مرا بر زیارت شما راجیا
للاجابة امیدوار ارنده‌ام از خداوند اجابت حاجتهای مرا غیر
آیس ولا قانط و در حالتیکه غیر مایوسم و نا امیدم از کرم خداوند
بقبول زیارت مرا و اجابت حاجت مرا آئبا عائدا راجعا الی
زیارتکما در حالتیکه برگردنده و عود کننده و رجوع کننده‌ام
۲ زیارت ۲ بسوی شما دو بزرگوار و عائدا و راجعا تاکید لفظی است
از برای آئبا مرادف مثل آیس و قانط غیر راغب عنکما ولا عن
زیارتکما و در حالتیکه رو گرداننده و اعراض کننده نیستم از شما و
از زیارت شما دو بزرگوار بل راجع عائد ان شاء الله بلکه رجوع
کننده و عود کننده‌ام بسوی زیارت شما اگر بخواهد خداوند
ولا حول ولا قوة الا بالله و نیست ما را نیرویی و نه قوتی
مگر بتوفیق خداوند یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما ای
آقایان من حریص و مایل شدم بسوی شما و بسوی زیارت شما
دو بزرگوار بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا بعد از آنکه

ذی رغبت وذی میل شدند در دوستی شما ودر زیارت شما ودین وکواد

اهل دین ودنیا بوستان بیت رسالت فلا خیبنی الله مما رجوت فیکم یا

نکرداند مرا خداوند از آنچه امید داشتم وما املت فی زیارتکم

وآنچه آرزو کردم در زیارت شما ودین وکوا از قبول زیارت

وقبول توبه وتوفیق طاعات ودوری از معاصی ورسیدن

بحاجتها ودفع بلاها وسلامتی دین ودنیا انه قریب مجیب

بدرستیکه خداوند نزدیکست به بندگان خود ومیشنود

وصداند حاجات ایشان را واجابت کننده دعاهای خلق را

ومراد رسیده احتیاجهای ایشان را تمام شد ترجمه این زیارت

شریفه ودعای شریفه وجه اختصار بدستیاری حقیر کثیر

التقصیر سید محمد الحسینی الخراسانی در ساعت چهارم از شب

سه شنبه دوم ماه ذی القعدة الحرام در سنه هزار ودویست بود

از هجرت مقدسه نبویه علیه وآله الاف السلام والتحیة والثناء

عفو از لغزشها ودعای خیر در اوقات دعا از برادران

با وفا ومؤمنان با صفا دارم والحمد لله رب العالمین والصلوة

والسلام علی سیدنا محمد وآله الطاهرین ابد الآبدین

تمت

[illegible] کاتبه الحقیر [illegible] محمد [illegible] فی یوم الجمعه

ثانی عشر من شهر [illegible] فی سنه ۱۳۰۲

[illegible]

بسمه تعالی

الحمد لله ... قد فرغ من تحریر هذه النسخة الشریفة ...

[illegible]

١٣..

رب اغفر وارحم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... جمادی الثانی ۱۳

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب



